

ساخت دستگاه تمام اتوماتیک
بوش جمعی آجر توسط یک
مبتکر ایرانی

یک جوان اصفهانی
توانست دستگاه تمام
اتوماتیک پرش جمعی آجر
پیازد. این دستگاه کم
نظیر میتواند با ظرفیت
های مختلف، هرساخت
تا ۲۵ هزار قالب آجر
را بطور استاندارد ببرد.
دستگاه تمام اتماتیک
پرش جمعی آجر از یکهزار
قطعه درست شده که کلیه
قطعات یادشده در ایران
قابل دسترسی است.
سخنگوی سازمان
پژوهشگاهی علمی و
صنعتی ایران ضمن اعلام
این خبر اظهار داشت:
بلان، محمد خان افشار

ب - مطالعه و طراحی و انتشار فرم مخصوص
متقاضیان مسکن جهت بشناسنامه متقارضیان.
ج - طریق واگذاری، (بین ترتیب که پس از
جمع اوری و تکمیل اطلاعات در مورد ساختمنها و
تحویل واحد مسکونی به درنظر گرفتن امتیاز که
بدلیل متوقف شدن امور دفتر این امر انجام نشد و
در قسمت بعد به این مسئله نیز اشاره خواهد شد.
آمار عملیات اجرایی دفتر معاملات مسکن که از سوی
دفتر ارسال شده است نیز موجود میباشد که بدلیل
عدم اشاره به آمار اقدامات سایر نهادهای ذیربط یا
مسکن در این گزارش نمیگنجد.
همانطور که در قسمت فوق اشاره شد یک قسمت
از کار دفتر معاملات مسکن تهیه و توزیع پرسشنامه
بود. بهمین منظور دفتر به کار توزیع پرسشنامه های
مسکن پرداخت و مردم هم که دیگر آز پلاتکلینی به
تنگ آمده بودند یا اشتیاق فراوان اقدام به خرید
پرسشنامه های مذکور کردند وصفه های طویل در مقابل
اماکن توزیع پرسشنامه ها تشکیل شد. بعداز مدتی
اعلام شد که به کار پرسشنامه ها رسیدگی میشود اما
از آن تاریخ به بعد این نکته کما فی السابق دو همان
مرحله: حرف و "شار" یا قی مانده است و تاکنون
هیچ گونه اقدامی جهت واگذاری واحد مسکونی از
طریق پرسشنامه انجام نشده است و بطور کلی هیچ
خبری از پرسشنامه ها نشود و مردم هم مرتب جویا
می شوند کم بالاخره تکلیف ما چیست؟.

انقلاب اسلامی کلیه خانه‌ها و
 بودم و اگذار میشود" .
 انقلاب اسلامی - ۵۸/۱۰/۵
 صاحب خانه می‌کنیم " .
 کیهان - ۵۸/۹/۲۱
 ده سال سایقه اقامت در تهران
 میشوند" .
 انقلاب اسلامی - ۵۸/۹/۲۵
 طور انقلابی دو اختیار مردم
 کیهان - ۵۸/۷/۱۶
 و مستاجر را از ایران ریشه‌کن.
 کیهان - ۵۸/۶/۱۹
 تهران به مستغطیین و اگذار
 کیهان - ۵۸/۵/۲۰

ش نشود! باشد
آذ طرف بنیاد مسکن ر همه
آپارتمانهای خالی به غذاه
آن خریده همراه! رولت
باشد
به افرادی که بیش از یشد
داشته باشند زمین داده
باشد
آرند
و مان
بین
رسه
زی و
داد تا
متوجه

مکن فراموش
حدائق حقوق هر قرد است که
شد مشکل زمین پاید حل شود و
خداد باید از این موهبت الهی، است
برمان باید خانه "داشته باشند" بروید
برای این مسئله مهم چاره بینند
ست که در این مورد همکاری کنند
ب پیشماره ۱۰۰ در تمام شعب
و از همه کسانی که توانایی داشتند
ای کمک نه خانه سازی برای محرومین
ل واریز کنند و در هر محل از
قرد اعتماد گروهی حدائق مرکب ای
و کارشناسان شهرسازی و خانه سازی
و یکان نماینده دولت انتخاب شون
و دقت کامل خانه های آرزویان قدر

حل مشکل داده
اساسی دو جوامع امروزی
کنون بسیاری از کشورهای
ولی و حساب شده تا حد
اجتماعی موقع بوده اند.
متخصصین حاذق نیز تا
بوده است
دادمن این مشکل در
توزیع غیرعادلانه ثروت
ت مختلف در آن جامعه
که قدرت در دست عده
که با گذشته زمان در رفع
روزبروی پر شد مستله
بل هر روز شاهد ایجاد
خها و آلتوکها و زاغهها
بر تعداد کوچشینان نیز
ما این پدیده را بصورت
شاهد اختلافات فاحش

مسکن همواره بعنوان یک نیاز
جهان مورد توجه است و تا
طرح و اجرای برنامه‌های اصل
زیادی در حل این معغل ا
البته پکارگیری کارشناسان و
حدزیادی در این مورد موثر
عده‌ترین دلیل پدید
کشورهای تحت سلطه‌ها می‌توان
در بین مردم و آیجاد طبقاً
نمایم پزد.
در جوامع سرمایه‌داری
خاصی متمن‌کرآست بجای این
مسئله مسکن اقدامی کنند
افزوده شده است و در مقا
لکارهای بیشتری در برابر کو
هستیم و می‌بینیم که هر روز
افزوده می‌شود در وریم گذشته
عیتی مشاهده، گردیم و

تاکنون
هیچگونه
اقدامی جهت
واگذاری
واحد مسکونی
از طریق
پوشهشناه
انجام نشده
است



تازه مانیکه تصمیم قاطعانه‌ای در
موردمالکین واحدهای مسکونی
متعدد و تعیین حدود مالکیت
اتحاد نگردد و از طریق قانون با
این افراد عمل نشود طرحها
همچنان دزروی برگهای کاغذ
باقی خواهند ماند و بمراحله
آخر اگذاشته نمیشوند

وا برکنید اکنون باید با خودیاری و همکاری برای مبارزه علیه
قبر و محرومیت بسیج شوید و با تائید الهی به
نجات مردم مستضعف کمر همت ببندیده در رژیم
متفور پهلوی مسئله مسکن یکی از مصیبیت‌بارترین
مشکلات اجتماعی مردم ما بود بسیاری از مردم در
اسارت تهیه یک قطعه زمین و داشتن یک لاده بودند
و چندپسا تمام غمراشان را زیریار بانکها و سودجویان
و غارنگران بسر می‌بردند تا بتوانند پناهگاهی را
برای خود و فرزندانشان دست‌وپاکنند قشر عظیمی از
مستضعفان جامعه هم بکلی از داشتن خانه محروم
بودند و در زوایای بیغوله‌ها و آتابکهای تنگ و تاریک
و خرابه‌ها بسر می‌بردند و چندپسا قسمت مهمی از
بدارم ناقیزشان را با استی برای اجاره‌آن ببردازند
و این بمراث شوم برای ملت ما باقیمانده و اکنون
اجماعه ما با چنین مصیبیتی دست‌بگریبان است .
نظام اسلام حنفی ظالم و ترقیق را تجمعاً نخواهد

طلاعہ

بر حسب تصویب ستاد بسیج اقتصادی کشور بدینوسیله قیمت انواع بیسکویت گرجی محصول این شرکت را باطلایع عموم میرساند. از فروشنده‌گان محترم تقاضاً می‌گردد ترخهای یادشده را دقیقاً اجرا نمایند زیرا بوجوب تعهد این شرکت به ستاد بسیج اقتصادی کشور در صورت تخلف متناسفانه ناقچار از قطع همکاری می‌باشد.

نوع جنس	قیمت مغازه دار	قیمت مصروف کننده.
۱- بهاره - رنگینک	جمعه متوسط ۱۱۷ ریال	۱۳۵ ریال
۲- هدیه	جمعه متوسط ۱۰۰ ریال	۱۱۵ ریال
۳- پذیرائی	جمعه متوسط ۱۰۵ ریال	۱۲۰ ریال
۴- نان غذائی خانواده	جمعه متوسط ۱۲۰ ریال	۱۴۰ ریال
۵- کراکر شور	جمعه متوسط ۵۷ ریال	۶۵ ریال
۶- نان غذائی	جمعه متوسط ۵۷ ریال	۶۵ ریال
۷- پذیرائی نارگیلی - وانیلی	جمعه متوسط ۵۷ ریال	۶۵ ریال
۸- دوشس - نسترن - رنگین کمان	جمعه متوسط ۵۷ ریال	۶۵ ریال
۹- چای بعد از ظهر - پتی بور	جمعه متوسط ۴۸ ریال	۵۵ ریال
۱۰- شیری - شیری شکری - نارگیلی شکری	جمعه متوسط ۴۸ ریال	۵۵ ریال
۱۱- پتی بور الومینیومی	بسته متوسط ۱۷/۵۰ ریال	۲۰ ریال
۱۲- سکه طلاتی نارگیلی - وانیلی	بسته متوسط ۱۷/۵۰ ریال	۲۰ ریال
۱۳- باغ وحش	بسته متوسط ۱۷/۵۰ ریال	۲۰ ریال
۱۴- توتیتی	بسته متوسط ۱۳ ریال	۱۵ ریال
۱۵- پتی بور الومینیومی	بسته کوچک ۹ ریال	۱۰ ریال
۱۶- باغ وحش	بسته کوچک ۹ ریال	۱۰ ریال
۱۷- توتیتی	بسته کوچک ۹ ریال	۱۰ ریال
۱۸- پیک نیک	بسته کوچک ۹ ریال	۱۰ ریال
۱۹- پوکان	بسته کوچک ۹ ریال	۱۰ ریال
۲۰- توتیتی ۲ عددی (نان تان)	بسته کوچک ۲۴۰ ریال	۳۰۰ ریال
۲۱- پیک نیک ۲ عددی کارتون ۱۰۰ بسته ای	بسته کوچک ۲۴۰ ریال	۲۷۵ ریال
۲۲- قله		

شرکت سهامی نیسکو نیوس، «عام» نیسک است گج

شماره تلفنی نیازمندیها

۳۲۸۵۱۹-۳۱۱۰۸۶-۳۱۰۵۵۳۰

فروش لوازم
دفتر

تبلیغ خلیم ۸ خانوادگی به ویدیو
کارت های کودک (کد) (کد) (کد)

۲۹۰۲۰-۲۲۸۸۵

۲۹۰۲۰-۲۹۰۲۰

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

۲۲۳۳۶۸

تخلیه چاه

لایوسی شخص

ترکیدگی باکاره پروره

بازگشته در تمام ناقص تهران

۹۲۱۳۶۱

لوله باز کنی

تفصیل ترکیب و ترمیم

۹۳۶۲۶۲

تشخص باکری

ترمیم و لوله باز کنی

۷۸۰۹۳۷

لوله باز کنی

تفصیل ترکیب

۳۳۵۰۹۹

لوله باز کنی

تفصیل ترکیب

۷۹۹۸۳۸

تفصیل ترکیب

لوله باز کنی

تفصیل ترکیب

۲۶۹۵۸۲

لوله باز کنی

تفصیل ترکیب

۲۶۹۵۸۴

لوله باز کنی

تفصیل ترکیب

۷۶۶۶۸۱

لوله باز کنی

تفصیل ترکیب

۳۳۷۷

لوله باز کنی

تفصیل ترکیب

۶۵۲۶۵۸

لوله باز کنی

تفصیل ترکیب

۶۵۷۶۶

لوله باز کنی

تفصیل ترکیب

۲۴۵۰۹۱

لوله باز کنی

تفصیل ترکیب

۲۴۳۸۲۶

لوله باز کنی

تفصیل ترکیب

۶۵۷۶۵

لوله باز کنی

تفصیل ترکیب

۲۴۴۲۲۶

لوله باز کنی

تفصیل ترکیب

۶۸۷۹۹۵

لوله باز کنی

تفصیل ترکیب

۶۲۱۳۸

لوله باز کنی

تفصیل ترکیب

۶۲۱۳۹

لوله باز کنی

تفصیل ترکیب

۶۲۱۳۹۰

لوله باز کنی

تفصیل ترکیب

۶۲۱۳۹۱

لوله باز کنی

تفصیل ترکیب

۶۲۱۳۹۲

لوله باز کنی

تفصیل ترکیب

۶۲۱۳۹۳

لوله باز کنی

تفصیل ترکیب

۶۲۱۳۹۴

لوله باز کنی

تفصیل ترکیب

۶۲۱۳۹۵

لوله باز کنی

تفصیل ترکیب

۶۲۱۳۹۶

لوله باز کنی

تفصیل ترکیب

۶۲۱۳۹۷

لوله باز کنی

تفصیل ترکیب

۶۲۱۳۹۸

لوله باز کنی

تفصیل ترکیب

۶۲۱۳۹۹

لوله باز کنی

تفصیل ترکیب

۶۲۱۳۹۰

لوله باز کنی

تفصیل ترکیب

۶۲۱۳۹۱

لوله باز کنی

تفصیل ترکیب

۶۲۱۳۹۲

لوله باز کنی

تفصیل ترکیب

۶۲۱۳۹۳

لوله باز کنی

تفصیل ترکیب

۶۲۱۳۹۴

لوله باز کنی

تفصیل ترکیب

۶۲۱۳۹۵

لوله باز کنی

تفصیل ترکیب

۶۲۱۳۹۶

لوله باز کنی

تفصیل ترکیب

۶۲۱۳۹۷

لوله باز کنی

تفصیل ترکیب

۶۲۱۳۹۸

لوله باز کنی

تفصیل ترکیب

۶۲۱۳۹۹

لوله باز کنی

تفصیل ترکیب

۶۲۱۳۹۰

لوله باز کنی

تفصیل ترکیب

۶۲۱۳۹۱

لوله باز کنی

تفصیل ترکیب

۶۲۱۳۹۲

لوله باز کنی

تفصیل ترکیب

۶۲۱۳۹۳

لوله باز کنی

تفصیل ترکیب

۶۲۱۳۹۴

لوله باز کنی

تفصیل ترکیب

۶۲۱۳۹۵

لوله باز کنی

تفصیل ترکیب

۶۲۱۳۹۶

لوله باز کنی

تفصیل ترکیب

۶۲۱۳۹۷

لوله باز کنی

تفصیل ترکیب

۶۲۱۳۹۸

لوله باز کنی

تفصیل ترکیب

۶۲۱۳۹۹

لوله باز کنی

تفصیل ترکیب

۶۲۱۳۹۰

لوله باز کنی

تفصیل ترکیب

۶۲۱۳۹۱

لوله باز کنی

تفصیل ترکیب

۶۲۱۳۹۲

لوله باز کنی

تفصیل ترکیب

۶۲۱۳۹۳

لوله باز کنی

تفصیل ترکیب

۶۲۱۳۹۴

لوله باز کنی

تفصیل ترکیب

۶۲۱۳۹۵

لوله باز کنی

تفصیل ترکیب

۶۲۱۳۹۶

لوله باز کنی



لحظههای همیستگی

در سر زمین شب و سیاهی و درد
در لحظه های سخت شقاوت دیو،
در کوچه های تنگی عبور،
که هزار چشم، می پاییدنمان،
باهم بودیم، برادر،
در روزهای خشم و خون،
با حنجه های پراواز،
در قریاده، بودیم برادر،
در مصاف آهن و گوشت،
زیر پاران سرب،
چو واله، پرگونه رو،
در واله نشسته بودیم برادر،
در سو زرد شبهای دی،
آن زمان که گرگ،
بهم خواه، تمرین پوشش فردآ میکرد،
باهم نگهبان کوچه ها بودیم برادر،
لحظه های صف، صفت طبل نفت،
دست در دست و دل پر زمه،
بمحش هم خیره بودیم برادر،
میادکه فردا بباشیم،
که فصل رویش لاله ها بود، برادر،
فصل پرواز چکاوکان خوش دوا بود، برادر،
باهم در پریکر دلاور آن پوش،
با خون، غسل کردیم، عهد بستیم، برادر،
باهم درون شیشه های پر خشم،
سنجر شدیم،
باهم قلب تانکرا، دشانه و قتیم،
باهم شاخ شبرا شکستیم، دیورا بستیم،
باهم به پیشو از صبح رفتیم،
و هر پنجه کوچکرا،
در روزهای از دور کردیم، برادر،
باهم قلب هر مهاجر مظلوم را،
مرحم شدیم،
باهم خدارا در گنج این فلات،
میزان شدیم، برادر،
باهم مند رسابی شیطان را،
مهر زدیم،
و بهار سبز آزاد بیوا،
در دل تاریخ، دشانه کردیم،
باهم تا "قلب تاریخ" و قتیم، برادر،
آری برادر،
باهم بودیم، هرجا که بودیم،
اینک برادر،
فصل شیخون اهربین،
فصل دوباره خون،
فصل هجوم قابل،
فصل خمیاره و همب و آتش،
فصل شکنایی و جهاد،
فصل ایثار، برادر،
به فریاد می خواهتم، برادر،
به جان، می خواهتم برادر،
با برادر،
سake باهم، پر برا دوب کنیم، کوه را، فتی
تل مر را در حقیق ذلت،
حک کشیم،
سای برادر، که بازویمان، یکی کنیم،
وجان خویشا،
میان نازند گوتوب و همیاره،
قلب خصم پرتاپ کنیم،
سایاد و ستر سرخ،
طلوع کنیم،
و خورشید کرم ماندن را،
از بست ابر کرد و روت، پرواریم،
ساتا جهان را، به معهانی خدا بریم،
آری برادر،
سایه خود را، یکی کنیم.

و نه بهره از هدایت داشتند؟
و نیز دو آیات ۲۲ و ۲۳ سوره زخرف چنین میخوانیم "و کذاک ما ارسلنا، من قبلک فی قریه" من ندیر الاقال مترقبه، و براین قرار پیامبری پیش از تو در سر زمین فرستادیم مکر اینکه کامرانان آن دیوار گفتند که ما پدران خود و صاحب آثینی یافته ایم و اینک برادر آنان گام مینهیم پیامبر در جواب می گفت اگر من مکتبی آورده باشم که از مکتبی که پدرانانت را برآن یافته و اهمناتر یاشد (چه خواهید گفت) می گفتند که ما اصلاً برسالت شما باور نداریم" در قرآن اطاعت از فرمان خدا همیشه نو و متوفی است و مخالفت با فرمان او تا ایند جاهلیت و "کنه و ارتقایعی".

چنانچه در آیه ۵۰ سوره مائده فرموده "افحکم الجاهلیة یعنون؟ و من احسن من الله حکما لقوم یوقنون؟" پس آیا این کروه حکومت چاهلیت را همی طلبند و برای مردمی که اهل ایمان و یقین باشند کدامین کس از نظر حکومت پیش و شایستهتر از خداست؟! پس معلوم میشود که آنچه را که تلاش میشودتا به غلط ارتقایع نایبیده شود قرآن با استعمال کلمه صحیح، چاهلیت نایبیده. چاهلیت مفهومی مساوی عدم. پیروی از سنت هدایت و پذیرش احکام خدما دارد پس "مرتعج واقعی" یعنی کسی که نسبت به معرفت و احکام حق جاهل است و هرچه جاهلتر مرجعتی البتهاین. جهالت تنها از نظر علمی نیست بلکه در عمل و پذیرش است که میزان آن مشخص میشود محمد قطب میگوید: بخلاف آنچه بسیاری تصور کرده اند عصر چاهلیت منحصر به آنچه چاهلیت اسلام برسزهاین جزیره‌العرب گذشته نیست و حتی چاهلیت نقطه مقابل "علم": یا "تمدن" یا "تمدن" مادی" یا موادین و مزایای فکری و اجتماعی و سیاسی نیست قرآن هیچگاه قوم عرب را از آنجهت اهل "چاهلیت" خواهد است که میزان آن مشخص میشود، شیعی و پژوهشی را نمیشانختند یا با نظامات سیاسی آشنای نداشتند (یا معتقد به سیر جیرو تاریخ و تاثیر ایزار تولید در تغییر نظامات نبودند). زیرا اگر قرآن آن قوم را از آنجهت اهل چاهلیت غیroxاند بیکمان بچران همین جهات قیام و اقدام میکرد. قرآن از آنجهت قوم عرب را اهل چاهلیت (یا به تعبیر امروزی مرتعج) خوانده که آن قوم حکومت و پیوهای نفسانی و تعابرات خود و اکذاب میکرده اند و حکومت خدا را نمی پذیرفتند بنابراین: میزان و مقیاسی که قرآن حیات پسر و را با آن میسنجد حکومت هوی و حکومت خداد است (نه ارتقایع و ترقی) و در هر زمان و هر مکان که هوی بجای خدا حکومت کند آن زمان، زمان چاهلیت و آن مکان، مکان چاهلیت است خواه در سرزمین عربستان قبل از اسلام پاشد و خواه در سایر اقطار زمین و در قرن بیست که اینک چاهلیت آن در طول تاریخ سایه تدارد.

امروزه اگر ریگان حکومت جمهوری اسلامی و مردم مبارز و سلمان ما را "بی تمدن" و نوکران شرق آن و ارتقایع" مینامند نه از آنجهت است که مقدار خیری را که در اسلام وجود دارد نمیشناسند و از جنایات رزیمهای خود بپخیرند یا باطلی. را که خود در آن غوطه ورتد صالحتر و صائب تر از اسلام میدانند بلکه با وجود علم، بحق و خیری که در آن وجود دارد آنرا دشمن میدارند و چون با وجود علم از ایمان بی بهره اند تسلیم فرمان و جدانهای حق طبل نمی شوند و عالمانه در چاهلیت (و ارتقایع) غوطه میخورند و دینی را که امریه عدل و احسان و احیای انسانیت انسان و احراق حقوق مستغفان می کند بزرگترین خطر برای بقای خود میشمارد و لذای اگر امروز ملت ما و زعمای دولت ما پکسی مرتعج میگویند مقضی شان پیروان این طریقت دور از حقیقت و شریعت است.

والسلام مهدی عینان

آقین را که نزد پدران خود یافته‌ایم دنیا می‌کنیم
... (بپرس) حتی اگر پدرانتان نه اهل تعلق بودند
و نه بهره از هدایت داشتند؟

و نیزه دو آیات ۲۲ و ۲۳ سوره زخرف چنین میخواهیم "وکذاک ما ارسلنا من قبلك في قريه" من تدبیر الاقال مترقبوها ... و بر این قرار پیامبری پیش از تو دو سرزین نفرستادیم مکن اینکه کامرانان آن دیبا گفتند که ما پدران خود را صاحب آئینی یافته ایم و اینکه برادر آنان گام مینهیم پیامبر در جواب می‌گفت اگر من مکنی آورده باشم که از مکنی که پدرانتان را برآن یافته‌ید واهنها را بشد (جه خواهید گفت) می‌گفتند که ما اصلاً پرسالت شما باور نداریم "دو قرآن اطاعت از فرمان خدا همیشه دو و مترقبی است و مخالفت با فرمان او تا این جاهلیت و "کنه" و "ارتاجاعی".

جنانچه در آیه ۵۰ سوره مائدہ فرموده "افحکم الجاهلیة یبغون؟ و من احسن من الله حکما لقوم یوقون؟" پس آیا این گروه حکومت چاهلیت را همی طلبند و برای مردمی که اهل ایمان و یقین باشند کدامین کس از نظر حکومت بهتر و شایسته‌تر از خداست؟! پس معلوم می‌شود که آنچه را که تلاش می‌شودتا به غلط ارجاع نایمه شود قرآن با استعمال کلمه صحیح، چاهلیت ناویده، جاهلیت مفهومی مساوی عدم پیروی از سنت هدایت و پذیرش احکام خدا دارد پس "مرتعج و اتفق" یعنی کسی که نسبت به معرفت و احکام حق جاهل است و هرچه چاهلتر مرتجلت ابتها می‌شوند. جهالت تنها از نظر علمی نیست بلکه در عمل و پذیرش است که میزان آن مشخص می‌شود محمد قطب میگوید: برخلاف آنچه بسیاری تصور کردند عصر چاهلیت منحصر به آنچه قبل از اسلام برسزین جزیره‌العرب گذشته نیست و حتی چاهلیت نقطه مقابل علم" یا "تمدن" یا "تقدم" مادی" یا موازین و مزایای فکری و اجتماعی و سیاسی نیست قرآن هیچگاه قوم عرب را از آنچه است که علوم ستاره‌شناسی، طبیعی، شیمی و پزشکی را نیشناختند یا با نظامات سیاسی آشنای نداشتند (یا معتقد به سیر جیروی تاریخ و تأثیر ایزار تولید در تغییر نظامات نبودند!) زیرا اگر قرآن آن قوم و از آنچه اهل چاهلیت میگردند و حکومت خدا را نمی‌پذیرفتند بنابراین: میزان و مقیاسی که قرآن حیات پیش را با آن می‌سنجد حکومت هوی و حکومت خوانده که آن قوم حکومت را بیهوای نفسانی و تمایلات خود واگذار میگردند و حکومت خدا را نمی‌پذیرفتند بنابراین: میزان و مقیاسی که قرآن حیات پیش را با آن خوبی را اینچه اینجا می‌دانند (نها راجع) خوانده که آن مکان و ترقی) و در هر زمان و هر مکان که هوی بجای خدا حکومت کند آن زمان، زمان چاهلیت و آن مکان، مکان چاهلیت است خواهد در سرزین هرستان قبل از اسلام باشد و خواهد در سایر اقطار زمین و در قرون بیستم که اینکه چاهلیت آن در طول تاریخ سابقه تدارد.

امروزه اگر ریگان حکومت جمهوری اسلامی و مردم مبارز و مسلمان ما را "بی تمدن" و نوکران شرق آن و "ارتاجاعی" می‌نامند نه از آنچه است که مقدار خبری را که در اسلام وجود دارد نمی‌شناستند و از جنایات رژیمهای خود پیخبرند یا باطلی را که خود در آن غوطه‌ورتد صالحتر و صائب‌تر از اسلام میدانند بلکه با وجود علم، بحق و خیری که دو آن وجود دارد آنرا دشمن میدارند و چون با وجود علم از ایمان بی بهره‌اند تسلیم فرمان و جدانهای حق طلب، نمی‌شوند و عالمانه در چاهلیت (و ارجاع) غوطه میخورند و دینی را که امریه عدل و احسان و احیای انسانیت انسان و احراق حقوق مستغلان می‌کند بزرگترین خطر برای بقای خود می‌شمارند و لذا اگر امروز ملت ما و زعمای دولت ما بکسی مترجم می‌گویند مقصودشان پیروان این طریقت دور از حقیقت و شریعت است.

آنچه را که تلاش می‌شود تا به غلط ارجاع نامیده شود قرآن با استعمال کلمه صحیح، جاھلیت نامیده، جاھلیت مفهومی مساوی عدم پیروی از سنن هدایت و پذیرش احکام خدا دارد.

سپس نتایج داشتن چنین طرز تفکر را چندین بیان میدارند: وقتی شما بنای حق و باطل و بر حرکت زمان و تاریخ گذاشتی و گفتی تاریخ است که معین میکند کدام نظام حق و کدام نظام باطل است و سرانجام هم مطلب وا جایی وساندی که باب قضایت بسته بود و گفتی فقط پاید آنجا و آنگاه کنی و قبول کنی این شیوه "چیر محوری" شما را آماده میکند که فردا زور را محور قرار دهید یعنی تجلی خارجی این فلسفه در نظام اجتماعی این است که حق در تفکر است نه در منطق. این خیلی جالب است خلی جالب ارجاع مترقبی همین است همین آقای هیتلر که آنقدر بحثومت فائیستی متهم است مگر غیراز این میگفت؟ هیتلر خودخوارتر از پسیاری از مدعاون علیه اونبود ولی قلم در کف دشمن است دشمنات برای روسبیدی خود او را از آنچه بود روسیاه تر تصویر کرد هماند هیتلر بر اساس تئوری تکامل و اینکه بنای زندگی در طبیعت بر تنازع مقاست باین معنا (که در نظام طبیعت ضعیف یامال است) می‌گفت مابرای احترام به قانون طبیعت چون زور داریم زور هیکوئیم او این سخن را صریح میگفت حال چه باید کرد با دیگران که هم زور هیکوئیند وهم در زورگویی روی هیتلر را سپید کرد هماند. وهم عاجزانه انسان و با به اسارت تاریخ درآورد هاند و آنگاه می‌گویند ما قائل به اراده آزادانسیم؟! میگویند تکامل را قبول داریم کدام تکامل؟ کسی که در باطن ودر معنا در خارج عیندیت بخشیده است کجا می‌تواند دم از انسان آزاد و آزادی انسان بزند این است که میگوئیم یک ارجاع مترقبی متولد شده است مترقبی است برای اینکه از آن روزگار ماست، مرتعج است برای اینکه یک منطق بوسیله "بسیار کهنه" را که عبارت باشد از اینکه "هر کس غلبه با اوست حق با اوست" دوباره زنده کرده است، حالا از نظر علمی سوال این است که آیا نفس وشد مطلوب است؟ تلا" یک غده سلطانی را که در حال پیشرفت است بایک بیماری. فلوج رونده را در نظر میکیریم آیا نفل بن پیشوی میماری مطلوب است؟... بسیاری از سور هم هستند که مستمرند و برای همیشه مظلوبند مثل کسب علم. نفس اینکه انسانها همیشه طالب علم بوده اند مسئله ای نیست که چون به گذشته تعلق دارد منفور و ارجاعی باشد و سرانجام میافایند که "چنین شد که تاریخ پرستی مدرن حق و باطل را برای ما به ارجاع و ترقی تبدیل کرد و ثابت میکنند که این اندیشه نه منطقاً قابل دفاع است و نه علم و نه سیر حوادث براین معیار منطبق است".

انجام میشود دیگری ممکن است عکس این مطلب و پا
چیز دیگری را اصلاح و عامل پیشرفت پدیدارد. آیا
هر رئیسی که خود را پیشرو و مترقی و پیشگام نماید و
عوامل و هوازین پیشرفت و اصلاح را به سلیقه خود
تعریف و تبیین کرد واجب الاطاعه است و مخالفت
با او ارتقای میباشد؟ مگر جز این است که ملکحسین
و ملکحسن و ملکخالد و انورسادات و دست نشاندگان
آمریکای لاتین و آفریقاو ... همه به تعیین خود
دارند هشتران را به سوی پیشرفت سوق میدهند؟
آیا مخالفت با آنها یعنی ارتقای؟ اگرچه امروزه ببر-
جس "ارتقای بودن" از جمله اتهامات رایجی شده
است که تقیریاً "کلیه حکومتها و کروها به مخالفین
خود میزند لکن مینتوان در مجموع همه آنها را بدرو
دسته تقسیم کرد. یک دسته غیرکوئیستیها که مقصود-
شان از "مرتعج" کسی است که مخالف معتقدات
دیالکتیکی و نظام حکومتی و احیاناً "نظريات شخصی
آنها پاشد و با برای اعاده رژیم سابق تلاش کند. در
این قسمت ارتقای تعریف پاگنی معین و خاصی.
ندارد و بسته به این است که افراد این دسته هریک
چه معتقدات و قوانینی داشته باشند مخالف و مدد
آن قوانین و معتقدات ممکن است مرتعج، باطل، نا-
حق، کافزه، فاشیست و ظایر آنها ناید شود (در)
سیاست همیشه بدنهان یافتن فنفورزترین پرچسب و
اتهام هستند: آمریکا برای کسی که می توانست
نفرات اگریتزین کلمه و ابرای چسباندن به مبارزیین
وینتام شالی. پیداکنند جایزه تعیین کرده بود). مثلاً
انورسادات قرارداد کتب دیوید و امترقی و مخالفین آن
و مرتعج مینامد از نظر صدام حمله به ایران عملی.
درجہت پیشرفت و ترقی است و هر کس با این امر
مخالفت کند بمنظار او و اربابش یکی از اتهاماتش
"مرتعج بودن" است حزب بعث قتل آیت الله
سید محمد باقر صدر را مفید و سرنگونی صدام را
قاجعه میداند. نیکون بمباران خانه‌های
مسکونی را در وینتام کک به همزیستی مسالمت‌آمیز و
صلح جهانی و مخالفین شاه معدوم را تزویریست
میدانست ا می‌گویند کسانیکه بس از ۲۸ مرداد که
محمد رضا به ایران برگشت برایش تبریک فرستادند
عمل مرتضعه‌های انجام دادند محمد رضا هم
روحانیت و هوادارانش و ارتقای سیاه می‌خواند
جمهوری اسلامی و مستولین مملکتی هم رژیم محمد-
رضای معدوم را ارتقای. و طاغوتی می‌نامند خلاصه
اینکه امروزه ارتقای آثار فرانسیسی است ... همه
پیچی میخورد!

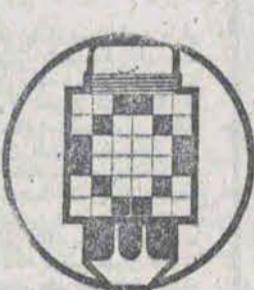
«ارتجاع واسلام»

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اگر نمودار استعمال کلمات و ادوار، توشتار و گفتار
نم کنیم متوجه خواهیم شد که واژه "ارتجاع" در
بره کلماتی است که بکثیرت کاربردشان پسیار باشد.
صورتیکه محتوی و مفهوم این کلمه به نحو مشخص
ای بسیاری از مردم، ماناعملون و مبهم است.
ای اینکه روشن کنیم که مخاطب این کلمه کیست و
نظام هائی، ارجاعی محسوب میشوند و اساساً
نای لغوی این کلمه چیست، ابتدا به رعای فرهنگ
ات و سپس به دنبال اعمالی که ارجاعی نامیده
ده آنکه میرویم تا بینیم که سرانجام واه بکجا
بریم. در فرهنگ فارسی عمدی گفته است: "ارتجاع":
معنی بازگشتن و به حال اول برگشتن و در سیاست
ضدیت و مخالفت پاتجدد و تعامل به اوضاع
منه. چنانچه مشهود است در جلوی این کلمه
رف (ع) زا ذکر کرده. معنی که از لغات عربی است
کلمه ازباب افتخار و هم خانواده های آن: رجوع و
محبت و رجعی و راجع و رجوع و مراجعة و تراجع
باشد سپس دو معنی بازگشتن و به حال اول بر-
تن را بصورت مطلق و کلی. ذکر کرده زیرا ارجاع
ین دو معنی بازگشت به چیزی و هر آنچه که به
لت اول برگزد. میباشد و چنین است سایر مشتقات
کلمه.
ایه ۸۶ سوره طه آمده است: فرجع موسی الی قومه
بیان اسفا. معنی موسی خشمگین و اندوهناک به
خوبیش برگشت. یا "ان الی ریک الرنجعی" معنی
رسنیکه برگشت به سوی پروردگار تواست علیه
انا لله و انا لله و ااجعون "ما ارخدا هستیم و به
ی خدا بازمیگردیم بقره ۱۵۶. حضرت ابراهیم با
ستن بتها و برجای گذاشتن بت پزرگ و متحاجدای
بغدا". صورت میگیرد باعث میشود که بعضی از
هم. دچار خالت بازگشت به خود شوند و بخوبیشتن
پیش رجوع کنند و بسیاری از آنها ازبند عبادت
آزادگردد و شالوده حیات دین و ملت ابراهیم
غفته شود. در ظلمت کفر چرا غی پر فوج برای
ایت ناس روشن گردد.. از آیه ۸۶ بعد در سوره
یا چنین می آید "انت فعلت هذا بالهتنا يا ابراهیم
ابراهیم آیا توبتھا مارا چنین کردی؟ قال بسل
ه کبیرهم هذا فسلوهم ان كانوا ينتظرون، گفت
هز بزرگشان این کار را کرده. بنیند اگر میتوانند
س پکویند از خودشان بپرسید (). این طرز جوان
نا برای ایجاد حالت رجعت پس میرهاشان بوده.
هز آیات بعد برمی آید که خبر جدی نبوده است)
بعوا الى انفسهم فقلوا لئکم انتم ظالمون. در این
نام مردم. بخودهاشان و بدخوبیشتن خوبیش باز
ه به سبب پرستش جماد بی زیان خود را ظالم
بندند. انسان ممکن است پس از مدتی بت پرستی و
خود بیگانه بودن و انحراف، به تفکر و آندیشه
م رجوع نماید و برگشتن ممکن است عادات رشته
ته باشد بحدتی بدلا لایی. آنها را کنار بگذارد ولی.
اره پیروی از آنها را شروع کند "مثلاً" محصلی
البدون تعقیب هدفی دیگر، ترک تحصیل مینماید

هنگ لغات "وبستر" نظم سیاسی و
تتماعی از مدافتاده را ارتجاعی
دادند و بنایراین تعریف "مد"
ان تشخیص مترقب از مرتعج، نیک
بد و حق از باطل است. اما خود
چگونه باید باشد و با چه معیاری
د وضع شود و چه کسی باید آنرا

میمان میشود و دوباره به مدرسه باز میگردد. اما معتاد مدتی استفاده از مخدور را ترک میکنند
باره بغلوب هوس میگردند و آن را از سر میگیرند، هر چند نیز میتواند باید این مخدور را
پاتوجه بودو. معنی بالا یک عمل ارتقای اجتماعی را داده اند زیرا به عمل یا حالت نخست بر
نیاز نداشتند. اما همه ابهام وايجاد زمينه اتهام در معنی
نیزه هست است که میگويد: "ارتقای در سیاست بد
ضریب و مخالفت با تجدد و تمایل به اوضاع
زیرا معلوم نکرده است که تجدد چیست و
که این معرفت با خواهیم رژیم کشورها را از حیث ارتقای
کهنه کدام است و سیاست در دنیا امرور چه
ای دارد؟ آیا ملاک تشخیص اینها حق و باطل
ت یا سیر جیری تاریخ یانوع مصرف یا غیر آن؟
اگر بخواهیم رژیم کشورها را از حیث ارتقای
ن یا بنودن پسنجیم معيار تعیین تو بودن و
نند. بودنشان چیست؟ کلمه ارتقای در زبان
امروز، یا میان معنی اخیر ترجمه کلمه "ری اکشن"
است و مانند اوسط قرون نوزدهم "ری اکشن" هم
جایی نداشتم که اینکه خود کلمه "ری اکشن" معنی عمل
منعایی نداشت کلمه "اکشن" ^{action} یعنی عمل
ریکت، و پیشوند "ری" ^{re} یعنی عمل دوباره و نیز
عنی عکس العمل. قبل از "ری" نوع عکس العملی و نیاز
ت به هنر نوع عملی را اعم از خوب یا بد. ارتقای
ری اکشن" می گفتند اما در قرن اخیر سیاست مفهوم
شست به عمل خوب را از آن حذف کرد و بدشوندکی
ت و از آنجا که سیاست خود هزار چهره دارد
بعاش هم هزار پنجه معنی پیدا کرده. بهرحال
نچه مشاهده میکنید از این منبع فارسی نه تنها
المان حل نشد بلکه چهار مشکل جدید دیگر بیرون
باشد که عبارتند از معنای صحیح کلمات سیاست،
اواع کهنه و نو، بسازع منابع خارجی
شتر" در این باره میگوید: ری اکشن (یا ارتقای)
آن بازگشت به اوضاع واحوال اول پس از زندگی
وضعیتی مغایر و مخالف با آن و مرتتع "یا ری"
نیست از این "ری" را شخص بسیار محافظه کار در
است و از زومند بازگشت به رژیم سابق دانسته.
نمکبهای سیاسی تالیف بهاء الدین پازارگاد
از بیان اینکه محافظه کار کسی است که هیچیک
فکار و سنت و عادات اساسی قدیم را مورد انتقاد
نمیگیرد و کاهی بصورت ناسیونالیست افراطی
نمیگیرد اضافه مینماید که محافظه کار را نباید با
جمع اشتباه کرد. چنانچه از لفظنامه "ویستر" بر
بدهر رژیم جدیدی فیتواند طرفداران رژیم سابق
مرتعن بنماد. ولو اینکه رژیم سابق مردمی بوده
دور رژیم جدید جبار و دیكتاتور، همینه وضعیتی
بر با وضع سابق مرتتع ایجاد شد کافی است که اوضاع
ال قبل متمهم به ارتقای بودن بشود
نمک لغات "نیورمی ویستر" هم نظم سیاسی و
معانی از مدافعته را ارتقای مترقب از مرتتع، نیک از
تف مد" میزان تشخیص مترقب از مرتتع، نیک از
و حق از باطل است. اما خود مد چگونه باید
د و باجه میباری باید وضع شود و چه کسی باید
تعیین کند مشخص نیست. لعنتامه آکسفورد
جمع را مخالف پیشرفت و اصلاح معرفی کرده لکن
ح است که اصلاح بنظر حکومتها مختلف متفاوت
یکی معتقد است که اصلاح در کشتن آزادبخوان



جدول ٤٣

A crossword puzzle grid consisting of 15 columns and 18 rows of squares. The grid has several blacked-out squares, particularly in the center and along the edges. At the top of the grid, there are handwritten numbers and letters corresponding to the crossword entries: 10, 1P, 1F, 1Y, 11, 10, 9, A, Y, Z, O, P, T, V, I.

قسمت پریده شده از پارچه به اندازهای که لباس دوخته شود - ۴ عهدهدار. هزینه یا نگاهداری کسی شدن - به امانت داده شده - ردیف ۵ - از سوره‌های قران - تیر پیکان دار - دوستی و هدمی ۶ - پراکندگی و تفرق - تراژدی معروف و لیام شکسپیر و بتایمن انعقاد خون ۷ - شیطان بطری - کناء قانونی - مادرید هزارین سال، کتاب معدهف خانم دافنه دومینه سنت و تنبل ۱۰ - اشاره بدور - دلال وسیع - مایه حیات - ساز شکسته - حرف تعجب و شگفتی ۱۱ - نطق است ولی با املای غلط - بچههای اعیان قدیم ذاشتند - استضعاف بدون آن قابل تعریف نیست ۱۲ - از داستانهای شورانگیز عاشقانه اثر عبدالرحمن جامی - یکی از حبوبات ۱۳ - بیباکی و گستاخی - از رودهای آسیای جنوب شرقی ۱۴ - شماره - الماس خالص ترین نوع آن است - محل سکونت ۱۵ - اعانت و باری - بدسرشت و بدظینت.

ت و بدطینت.

